

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۵۳): لا يجب على من أجنب في النهار بالاحتلام أو نحوه من الأعدار أن يبادر إلى الغسل فوراً، وإن كان هو الاحوط .

بر کسی که در روز محتلم شده است واجب نیست که فوراً مبادرت به غسل کردن کند زیرا اگر در روز محتلم شود روزه اش صحیح است و باید برای نمازش غسل کند لذا می تواند چند ساعت غسلش را به تأخیر بیندازد اگر چه احوط این است که زودتر غسل کند . صاحب وسائل در باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم چند خبر ذکر کرده که مرتبط با این مسئله می باشند، در این اخبار چند مطلب بیان شده است ؛ اول اینکه احتلام روزه را باطل نمی کند و مطلب دوم اینکه چرا احتلام روزه را باطل نمی کند ؟ یعنی فرق بین احتلام و مجامعت چیست که مجامعت روزه را باطل می کند ولی احتلام روزه را باطل نمی کند با اینکه هر دو آنها موجب غسل جنابت می باشند؟ حضرت جواب می دهند ؛ لأنّ النكاح فعله و الاحتلام مفعول به فرقی این است که نكاح فعل اختیاری شخص است ولی احتلام مفعول به و غیر اختیاری است ، و مطلب سوم که در روایات آمده مربوط به همین مسئله مانحن فیه می باشد به این صورت که اگر شخص در روز محتلم شد واجب نیست فوراً غسل کند بلکه می تواند غسلش را به تأخیر بیندازد و بعد هم که غسل کرد در واقع برای نمازش غسل کرده یعنی احتلام به روزه اش ضرری نمی رساند ، و مطلب چهارم اینکه احوط این است که فوراً مبادرت به غسل کند چون خبری در این باب داریم که دلالت بر این مطلب دارد البته سندش ضعیف است .

خوب حالا می رویم سراغ اخبار مذکور ، خبر اول از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن عبد الله بن ميمون عن أبي عبد الله (ع) قال : ثلاثة لا يفطرن الصائم : القىء و الاحتلام و الحجامه » . سند این خبر همانطور که قبلاً آن را

خواندیم خوب است و این خبر نظر دارد به نظر سنی ها در مورد مفطرات چرا که بین ما و اهل تسنن در باب مفطرات اختلافات فراوانی وجود دارد مثلاً آنها حجامه و قیء را به طور مطلق مبطل صوم می دانند ، خلاصه اینکه این خبر دلالت دارد بر اینکه احتلام موجب بطلان صوم نیست .

خبر بعدی خبر ۴ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد که فلسفه عدم بطلان صوم توسط احتلام را بیان می کند ، خبر این است : « وفي (العلل) عن علي بن حاتم عن القاسم بن محمد عن حمدان بن الحسين عن الحسين بن الوليد عن عمر بن يزيد قال : قلت لأبي عبد الله (ع) لأى علة لا يفطر الاحتلام الصائم و النكاح يفطر الصائم ؟ قال : لأنّ النكاح فعله و الاحتلام مفعول به . » . بعضی ها مثل عمر بن يزيد در سند هستند که خیلی مورد وثوق نیستند.

و اما خبر بعدی که دلالت بر مسئله مانحن فیه (عدم لزوم مبادرت به انجام غسل فوراً) دارد خبر ۲ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد، خبر این است : « محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن ابن فضال عن ابن بكير (فى حديث) قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الرجل يحتلم بالنهار فى شهر رمضان يتمّ صومه كما هو ؟ فقال : لا بأس . » . خبر موثق است زیرا ابن فضال و ابن بكير فطحی المذهب هستند.

خبر بعدی که بر این مطلب دلالت دارد خبر ۳ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم می باشد، خبر این است : « محمد بن علي بن الحسين باسناده عن العيص بن القاسم أنّه سأل أبا عبد الله (ع) عن الرجل ينام فى شهر رمضان فيحتلم ثمّ يستيقظ ثمّ ينام قبل أن يغتسل ؟ قال : لا بأس . » . خبر سنداً صحیح می باشد و شیخ صدوق که در طبقه ۱۰ می باشد این خبر را از کتاب عیص که در طبقه ۵ می باشد گرفته است و قبلاً گفتیم که طریق شیخ به عیص صحیح است زیرا واسطه ها را در آخر کتابش ذکر کرده است ، خوب همانطور که می بینید این دو خبر (خبر ۳ و ۲) دلالت دارند بر اینکه مبادرت و سرعت عمل برای انجام غسل لازم نیست . اما یک خبر داریم که برخلاف آنچه که گفتیم بر مطلب چهارم (احوط مبادرت به انجام غسل می باشد فوراً) دلالت دارد ، که

در باب قضاء رمضان قبلاً بحث کردیم و صاحب عروة دو مطلب را در این رابطه بیان کردند؛ یکی تعمد البقاء علی الجنابة که مبطل صوم بود و دیگری إصباح جنباً یعنی صبح کند در حالی که جنب است که این چند صورت پیدا می کند؛ اول اینکه علم دارد که جنب است و عمداً غسل نکند که خوب این می شود همان تعمد البقاء علی الجنابة که مبطل صوم است، صورت دوم اینکه أصبح جنباً و لكن نسی ما كان من الجنابة یعنی فراموش کرده که جنب بوده که در این صورت هم باید بعداً قضای آن روز را بجا بیاورد دون الکفارة، صورت سوم آن است که جهل به جنابت داشته باشد یعنی در شب جنب شده و جاهل مانده تا بعد از طلوع فجر، صاحب عروة در مورد این صورت سوم قبلاً فرمودند که در خود روزه رمضان اشکالی ندارد چون که تعمد البقاء علی الجنابة نمی باشد ولی در قضاء روزه رمضان اشکال دارد پس مبنی صاحب عروة مشخص شد، در اینجا هم ایشان همین را می فرمایند، خوب ما هم جهل به حکم داریم و هم جهل به موضوع که در اینجا مقصود جهل به موضوع می باشد زیرا جاهل به حکم معذور نیست الجاهل کالعامد یعنی جاهل به حکم کفاره ندارد ولی بالاخره روزه اش باطل است و قضاء دارد، خلاصه اینکه بحث ما در جهل به موضوع است و صاحب عروة در جهل به موضوع در روزه ماه رمضان معتقد است که اشکالی ندارد و روزه اش صحیح است زیرا آنچه که مبطل است تعمد البقاء علی الجنابة می باشد، اما ایشان در قضای ماه رمضان می فرمایند که روزه اش باطل است و دلیلش هم اخباری است که در باب ۱۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم ذکر شده است که البته ما اشکالاتی به آنها داشتیم که قبلاً عرض کردیم و حالا هم عرض می کنیم منتهی اول اخبار باب ۱۹ را می خوانیم، خبر اول از باب ۱۹ از ابواب مایمسک عنه الصائم خبر عبدالله بن سنان است که قبلاً هم گفتیم که سنداً صحیح می باشد، خبر این است: «محمد بن علی بن الحسین باسناده عن عبدالله بن سنان أنه سأل أبا عبد الله (ع) عن الرجل يقضي شهر رمضان فيجنب من أول الليل ولا يغتسل حتى يجيء آخر الليل وهو يرى أن الفجر قد طلع؟ قال: لا يصوم ذلك اليوم و يصوم غيره.»

خبر ۵ از این باب ۳۵ براین مطلب دلالت دارد، خبر این است: «محمد بن الحسن باسناده عن الصفار عن ابراهيم بن هاشم عن عبدالرحمن بن حماد عن ابراهيم بن عبد الحميد عن بعض موالیه قال: سألته عن الاحتلام الصائم؟ فقال ك إذا احتلم (نهاراً) فی شهر رمضان فلا ينام) حتی يغتسل... الحديث.» . خبر مرسل است فلذا ضعیف می باشد و بعلاوه این خبر در بین فقهای ما مأثور به نیست چون علامه در ص ۷۹ از جلد ۹ از منتهی گفته است: «يجوز تأخير الغسل و لانعلم فيه خلافاً»، بنابراین مسئله در بین ما اجماعی است بعلاوه روایات (خبر ۳۰۳ از باب ۳۵) هم دلالت بر این مطلب دارند و خبر ۵ هم همانطور که عرض شد، هم ضعیف است و هم معرض عنه است منتهی همین خبر باعث شده که صاحب عروة در آخر مسئله بگوید احوط این است که زودتر غسل نماید مراد احتیاط مستحبی می باشد.

(مسئله ۵۴): لو تيقظ بعد الفجر من نومه فرأى نفسه محتملاً لم يبطل صومه، سواء علم سبقه على الفجر أو علم تأخره أو بقى على الشك، لأنه لو كان سابقاً كان من البقاء على الجنابة غير متعمد، ولو كان بعد الفجر كان من الاحتلام في النهار، نعم إذا علم سبقه على الفجر لم يصح منه صوم قضاء رمضان مع كونه موسعاً، و أما مع ضيغ وقته فالأحوط الإتيان به و بعوضه.

اگر بعد از طلوع فجر بیدار شود و ببیند که محتلم شده صومش باطل نیست و این سه صورت دارد؛ اول اینکه می داند قبل از طلوع فجر محتلم شده و دوم اینکه می داند بعد از طلوع فجر محتلم شده و سوم اینکه شک دارد که آیا قبل از طلوع فجر محتلم شده یا بعد از طلوع فجر محتلم شده که صاحب عروة می فرمایند در تمامی این صور روزه اش صحیح است زیرا در صورت اول که قبل از طلوع فجر بوده آن چیزی که روزه را باطل می کند تعمد البقاء علی الجنابة می باشد و فرض بر این است که در اینجا تعمدی وجود ندارد لذا روزه اش صحیح است و در صورت دوم که بعد از طلوع فجر محتلم شده، خوب معلوم است که احتلامش در روز واقع شده که اشکالی ندارد، نعم اگر بداند که احتلامش قبل از طلوع فجر بوده و روزه اش هم صوم قضاء رمضان همراه با وسعت وقت باشد در این صورت صومش صحیح نمی باشد،

که در شب جهل به جنابت داشته داریم که مطالعه کنید بقیه بحث برای فردا... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

خبر دوم از باب ۱۹ این خبر است : « محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحجال عن ابن سنان (یعنی عبدالله) قال : كتبت أبي إلى أبي عبدالله (ع) وكان يقضى شهر رمضان وقال : إنني أصبحت بالغسل و أصابتني جنابة فلم أغتسل حتى طلع الفجر ؟ فأجابته (ع) لا تصم هذا اليوم و صم غداً . »

خبر سوم از باب ۱۹ این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد ، عن عثمان بن عيسى ، عن سماعة بن مهران ، قال: سألته عن رجل أصابته جنابة في جوف الليل في رمضان فنام و قد علم بها و لم يستيقظ حتى أدركه الفجر ؟ فقال (ع): عليه أن يتم صومه و يقضى يوماً آخر فقلت : إذا كان ذلك من الرجل وهو يقضى رمضان ؟ قال : فليأكل يومه ذلك و ليقض فإنه لا يشبه رمضان شيء من الشهور . » . همانطور که می بینید در این اخبار گفته شده که اگر در قضاى رمضان أصبح جنباً جاهلاً بالجنابة باید روزه اش را قضا کند و صاحب عروة و عده ای از فقهای ما از این اخبار استفاده کرده اند که حکم روزه رمضان با قضاى آن فرق می کند یعنی در روزه رمضان تعمد البقاء علی الجنابة مبطل است ولی در قضاى آن جنابت مبطل است ولو جهلاً . خوب به نظر بنده این اخبار دلالت ندارند بر این مطلب که جهل را شامل شوند بلکه این اخبار در مورد جایی است که این شخص می دانسته که جنب شده است و بحث ما در جایی است که بعد از طلوع فجر فهمیده که در شب جنب شده بوده یعنی در شب تا طلوع فجر جهل به جنابت داشته است اما این روایات می گویند که این شخص در شب می دانسته که جنب شده منتهی غسل نکرده فلذا استدلال به این اخبار برای مانحن فیه بسیار مشکل است . خوب برای اینکه مطلب روشن شود قول صاحب جواهر را به عرضتان می رسانم ایشان در ص ۲۹۰ از جلد ۱۷ جواهر می فرمایند : « لا یبعد الحکم بصحة صوم القضاء مطلقاً » یعنی روزه قضا مطلقاً صحیح است چه در شب علم به جنابت داشته باشد یا اینکه جهل به آن داشته باشد و دلیل ایشان این است که ما برای بطلان دلیل می خواهیم و از طرفی ما روایاتی داریم که مفطرات را منحصرأ ذکر می کند لذا در هر جایی که ماشک کنیم به آن روایات مراجعه می کنیم ، بنابراین بحث ما در این است که ما چه دلیلی بر بطلان صوم کسی